

ظرفیت‌های تمدنی اسلام

حمید فاضل قانع

www.ketab.ir

مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر
المصطفی ﷺ

سرناسه:	فاضل قانع، حمید، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور:	ظرفیت‌های تمدنی اسلام / حمید فاضل قانع.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۳۴۴ ص:؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۲۸۵-۵
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۳۳۱ - ۳۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	تمدن اسلامی
موضوع:	تمدن اسلامی — آینده‌نگری
رده بندی کنگره:	DS۳۶/۸۵/ف۲۴۴ ۱۳۹۴
رده بندی دیویی:	۹۰۹/۰۹۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۸۶۰۶۷

حق چاپ برای نشر المصطفی

ظرفیت‌های تمدنی اسلام
مؤلف: حمید فاضل قانع
چاپ اول: ۱۳۹۴ ش / ۱۴۳۶ ق
ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع)
● چاپ: نارنجستان ● قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۳۰۰ نسخه

بایسپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند

مراکز پخش

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجینه)، نیش کوچه ۱۸، تلفکس: ۳۷۸۳۹۳۰۵/۹ - ۰۲۵
قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، تلفن: ۳۲۱۳۳۱۰۶ - ۰۲۵ - فکس: ۳۲۱۳۳۱۴۶ - ۰۲۵
قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم واحد ۳۰۸، تلفن: ۳۷۸۴۲۴۰۲ - ۰۲۵

pub.miu.ac.ir miup@pub.miu.ac.ir

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی فرا روی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که همه به نوعی برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پای‌بندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این‌رو مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و عمق و اصالت اندیشه‌های ناب، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهشگران حوزه دین، مهم و مورد عنایت تمامی بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) می‌باشد.

«جامعة المصطفیٰ (ص) العالمیة» برای تحقق این رسالت خطیر و در مسیر نشر معارف ناب محمدی (ص) «مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)» را تأسیس کرده است.

در پایان لازم می‌دانیم تلاش همه عزیزانی را که در نشر این کتاب سهمی داشته‌اند، سپاس گزارده، ارباب فضل و معرفت را به یاری بخوانیم تا ما را از دیدگاه‌های سازنده خویش بهره‌مند سازند.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفیٰ (ص)

فهرست

۱۱	مقدمه
	بخش اول: کلیات
۱۹	۱. فرهنگ و تمدن
۱۹	فرهنگ
۱۹	۱. تعریف فرهنگ
۲۵	۲. اجزای فرهنگ
۲۶	۳. ویژگی‌های فرهنگ
۲۸	۴. دگرگونی فرهنگی
۳۲	۵. جامعه‌پذیری
۳۴	تمدن
۳۵	۱. رابطه فرهنگ و تمدن
۳۸	۲. تعریف تمدن
۳۹	۳. مؤلفه‌های تمدن
۴۳	۴. مرزبندی تمدن‌ها
۴۶	۵. فراز و فرود تمدن
۵۳	۲. دین و فرهنگ

۵۳	 قلمرو دین
۵۹	 هویت بخشی دین
۶۲	 جهت دهی به گرایش‌ها
۶۵	 اثر گذاری بر رفتار
۷۱	۳. فرهنگ و تمدن اسلامی
۷۱	 تمایزات فرهنگی
۷۴	 رویکرد اجتماعی آموزه‌های اسلامی
۷۴	۱. تعریف جامعه
۷۵	۲. خاستگاه جامعه
۸۱	۳. اعتبار جامعه
۸۳	 ماهیت فرهنگ و تمدن اسلامی
۸۸	 تمدن سازی مسلمانان
۹۱	 تمدن نوین

بخش دوم: ظرفیت‌های تمدنی اسلام

۱۰۱	۱. پیش
۱۰۱	 جهان بینی
۱۰۱	۱. معنایابی زندگی
۱۰۷	۲. نظام فاعلی و غایی
۱۱۲	 هویت
۱۱۲	۱. تعریف انسان
۱۱۵	۲. فطرت
۱۱۸	۳. اختیار انسان
۱۲۶	۴. کرامت انسان
۱۳۱	۲. گرایش
۱۳۱	 ارزش‌ها و هنجارها
۱۳۱	۱. تعریف
۱۳۴	۲. آزادی

۱۳۶	۳. برابری
۱۴۱	۴. عدالت
۱۴۳	۵. خردورزی
۱۴۶	آینده‌نگری
۱۴۶	۱. سنت‌های الهی
۱۵۳	۲. افق آینده در سنن اجتماعی
۱۶۰	۳. فرجام تاریخ
۱۶۴	۴. استراتژی انتظار
۱۷۱	۵. ویژگی‌های آینده‌نگری اسلام
۱۷۷	جامعه آرمانی
۱۷۷	۱. تعریف
۱۸۰	۲. تاریخچه
۱۸۴	۳. ویژگی‌های جوامع آرمانی
۱۸۸	۴. جامعه آرمانی اسلام
۱۹۹	۳. کنش
۱۹۹	حوزه فرهنگ
۱۹۹	۱. دانش‌اندوزی
۲۰۳	۲. اخلاق‌گرایی
۲۰۶	۳. خرافه‌ستیزی
۲۱۳	۴. تعامل فرهنگی
۲۱۸	۵. سبک زندگی
۲۲۴	حوزه اجتماع
۲۲۴	۱. سرمایه اجتماعی
۲۲۹	۲. نظم اجتماعی
۲۳۳	۳. نظارت اجتماعی
۲۳۶	۴. روابط اجتماعی
۲۴۰	۵. گروه‌های مرجع
۲۴۴	حوزه اقتصاد

۱. تأمین اجتماعی ۲۴۴
۲. عدالت اقتصادی ۲۴۸
۳. مناسبات تولید ۲۵۲
۴. الگوی مصرف ۲۵۷
۵. پیشرفت پایدار ۲۶۱
- حوزه سیاست ۲۶۴
۱. جهان‌شمولی اسلام ۲۶۴
۲. امن اسلامی ۲۶۷
۳. حکومت اسلامی ۲۷۲
۴. روابط بین‌الملل ۲۷۸

بخش سوم: جلوه‌های تمدن اسلامی

۱. توسعه و شکوفایی دانش‌ها ۲۸۵
- ریاضیات ۲۸۶
- نجوم ۲۸۸
- شیمی ۲۸۹
- پزشکی ۲۹۰
۲. تولید علوم خاص اسلامی ۲۹۵
- تفسیر قرآن ۲۹۶
- علم حدیث ۳۰۰
- علم کلام ۳۰۲
- علم فقه ۳۰۴
۳. ایجاد و توسعه مراکز علمی ۳۰۷
۴. هنر اسلامی ۳۱۳
- شعر ۳۱۴
- معماری ۳۱۵
- خوشنویسی ۳۱۷
- موسیقی ۳۱۸

۳۱۹	۵. مراحل تمدن اسلامی
۳۱۹	اقتباس
۳۲۱	نوآوری
۳۲۲	اثرگذاری
۳۲۷	سخن پایانی
۳۲۷	آینده‌نگاری تمدن اسلامی
۳۳۱	کتابنامه

www.ketab.ir

مقدمه

رصد و مشاهده دقیق رخدادها و دگرگونی‌های جوامع انسانی در شرایط کنونی حاکی از آن است که جهان امروز، پس از سرخوردگی‌های ناشی از کاستی‌های تمدن موجود، از وضعیت مناسبی برای ظهور و بروز تمدنی نوین برخوردار گردیده است؛ شاید بتوان گفت که در دهه‌های اخیر، موضوع خلق تمدنی جدید، ذهن اندیشمندان بسیاری را به خود مشغول کرده است. اگر بخواهیم با رویکرد فلسفه تاریخ به وقایع بنگریم، می‌توان قرن اخیر را قرن آغاز فرود و افول تمدن غرب به‌شمار آورد؛ زیرا نشانه‌های ضعف و ناکارآمدی این تمدن به‌روشنی بروز کرده است. اعتراف و اذعان به این حقیقت را می‌توانیم در آثار و اندیشه‌های دانشمندان و نخبگان غربی آشکارا بنگریم. نتیجه طبیعی این روند آن است که در ذهن نخبگان جهان و بلکه در فکر تمامی جوامع بشری حالتی از انتظار پدید آمده است و همگی به‌دنبال جایگزین مناسبی می‌گردند تا شرایط کنونی جامعه‌های انسانی را سامان دهد.

بی‌شک این شرایط فرصت خوبی به‌شمار می‌رود که با تکیه بر غنا و

تعالی آموزه‌های اصیل اسلامی، این جایگزین را که همچون گنجینه‌ای پربها و برگرفته از میراث آسمانی اسلام نزد ما مسلمانان نهفته است، هم خود بهتر بشناسیم و هم به جهانیان به شایستگی معرفی کنیم. از این نظر، شرایط اکنون جهان، بسیار آماده و مناسب است. گویی جوامع گوناگون در سراسر گیتی به مثابه گرسنگانی‌اند که دیگر به غذای در دسترس خود رغبتی نشان نمی‌دهند و یا این غذا سیرشان نمی‌کند؛ زیرا برای این حس غریب گرسنگی، جایگزین طبیعی و مناسبی نمی‌یابند. این مقطع زمانی را به درستی می‌توان مرحله رنگ باختن تمدن غرب و آغاز دوران افول آن نامید. در واقع، جامعه انسانی در این عصر، بار دیگر به یک مرحله حساس تاریخی نزدیک شده و دگرگونی بنیادینی را مطالبه می‌کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی نیز تاریخ بشر را بر سر یک پیچ بزرگ و در آستانه تحولی عظیم برشمرده و معتقد است که بشر از تمام مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی اعم از مارکسیسم، لیبرال دموکراسی و ناسیونالیسم سکولار عبور کرده و در آغاز دوران جدیدی است که بزرگ‌ترین نشانه آن، توجه ملت‌ها به خدای متعال، استمداد آنها از قدرت پایان‌ناپذیر الهی و اتکای ملت‌ها به وحی است.

در یک تشبیه تاریخی می‌توان این مقطع زمانی را که ما در آن به سر می‌بریم، شبیه همان عصری بدانیم که در آستانه ظهور دین اسلام حاکم بود. تمدن‌های کهنه و رنگ‌باخته ایران و روم به پایان عمر خود رسیده بودند و قرار گرفتن روند حرکتی آنها در سراسیمه‌ی سقوط و افول، شرایط اجتماعی جوامع بشری را برای استقبال از یک اندیشه نوین و یک تمدن جدید و جایگزین کاملاً آماده ساخته بود. تجربه تاریخی بشر بارها نشان داده که به صورت کاملاً طبیعی، وقتی یک تمدن به پایان راه خود

می‌رسد، خودبه‌خود زمینه برای سر بر آوردن و شکوفایی تمدن‌های دیگر فراهم می‌آید. جامعه بشری نیز، با وجود این‌که معمولاً در برابر تغییرات ژرف اجتماعی مقاومت می‌کند، در چنین وضعیتی با گشاده‌رویی و رضایت خاطر از تغییر استقبال می‌کند.

اما این ادعا که در شرایط یادشده ما بهترین گزینه جایگزین را برای ایجاد تمدن نوین، توجه به آموزه‌های اسلامی می‌دانیم، متکی و مبتنی بر ظرفیت بالایی فرهنگ و آموزه‌های دینی اسلام است. بازخوانی و ژرف‌اندیشی در آموزه‌های پیشرفته این دین آسمانی نشان می‌دهد که این تعالیم، از چه توانمندی والا و گسترده‌ای برای نظریه‌پردازی و نوآوری برخوردار است. در کنار عامل درونی و نظری اسلام، جمع‌بندی شرایط موجود در جوامع مسلمان هم نشانگر این است که یک انگیزه همگانی و فراگیر در میان مسلمانان برای بازگشت به سنت و توجه دوباره به داشته‌های معرفتی و تمدنی، در حال شکل‌گیری است؛ یعنی غیر از ظرفیت فکری و توان بالایی اسلام برای تمدن‌سازی، اراده تحقق خارجی آن هم در عمل به‌وجود آمده است. اهل نظر نیز معمولاً یکی از ارکان ایجاد و گسترش تمدن را همین اراده می‌دانند؛ یعنی در کنار سایر عوامل و شرایط مادی و معنوی و همچنین داشتن اهداف راهبردی، عامل مهم دیگری مورد نیاز است که آن اراده و انگیزه اجتماعی است. در عصر کنونی می‌توان این شاخص مهم را با نگاهی گذرا در سطوح خرد و کلان جامعه مسلمانان احساس نمود.

نکته مهم دیگری که در این زمینه کاملاً باید توجه شود، برپایی نظام و ساختار منسجمی در جامعه است که از اعتبار لازم و اعتقاد کافی و کامل نسبت به اهمیت فرهنگ اسلامی و نقش بی‌بدیل آن در تمدن‌سازی

بهره‌مند باشد. اهمیت این شاخص که در قالب شکل‌گیری یک حکومت جلوه‌گر می‌شود، از آنجا ناشی می‌گردد که برای پیگیری اندیشه ایجاد تمدن، از عوامل دیگر توانمندتر و اثربخش‌تر است. بیداری اسلامی که در دو قرن گذشته از سوی فرهیختگان و اندیشمندان جهان اسلام، پیگیری می‌شد اکنون در میان عموم مسلمانان جای خود را یافته و خیزش‌های پی‌درپی جوامع مسلمان که شاهد آن هستیم، آینده روشنی برای برپایی حکومت‌های مردمی و مقتدر در چارچوب آموزه‌های دین اسلام را نوید می‌دهد.

با استناد به این چهار زمینه، یعنی موقعیت زمانی مناسب، ظرفیت تئوریک اسلام، اراده و عزم عمومی و برپایی ساختارهای اجتماعی و نظام‌های سیاسی لازم، می‌توان ادعا کرد که اکنون فضای شایسته‌ای برای مسلمانان ایجاد گردیده تا بار دیگر از خلق تمدنی نوین و مبتنی بر آموزه‌های مرقی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله سخن بگویند. این ادعا، نه از روی خیال‌پردازی، بلکه کاملاً واقع‌گرایانه است. بسیاری از اندیشمندان غربی در برابر تمدن موجود به رویکردی انتقادی گراییده‌اند، که خود نشانه‌گویی از ناکارآمدی و ضعف این تمدن است. از سوی دیگر، مسلمانان در بسیاری از مباحث مرتبط با فرهنگ و تمدن پویا، دارای برتری و مزیت نسبی بوده و می‌توانند با طرح دیدگاه خود در ابعاد جهانی و بین‌المللی، آن را به کرسی نشانده و تثبیت نمایند. روشن است اگر بخواهیم با این رویکرد به مقوله تمدن بنگریم، باید چند گام بنیادی برداریم که ثمره هر یک از آنها، مقومات تمدن را تشکیل می‌دهد و مجموع این تلاش‌ها، ستون‌هایی خواهد بود که خیمه تمدن فراگیر و پویای اسلامی بر آن استوار می‌گردد.

پژوهش حاضر، تلاشی آغازین برای تبیین توانمندی‌های آموزه‌های اسلامی برای آفرینش تمدن است. در واقع برای تبیین جایگاه نوشتار حاضر باید این‌گونه گفت که بدون درک این‌که «چه بوده‌ایم»، نمی‌توانیم به این‌که «کجا قرار داریم» و سرانجام «چه باید باشیم» دست یابیم. گذشتگان ما و بسیاری از معاصران درباره این‌که «چه بوده‌ایم» آثار متعددی را تألیف و ارائه کرده‌اند؛ اما برای شناخت این‌که به‌عنوان یک جامعه اسلامی «چه می‌توانیم باشیم»، باید به تبیین و تحلیل ظرفیت‌های آیین اسلام و آموزه‌های پیشرفته آن پردازیم. در این زمینه، باید آثار متعدد و متنوعی را متناسب با نیازهای روز جوامع بشری ارائه نماییم تا از میان آنها اندیشه‌های ناب و نزدیک‌تر به صواب استخراج شود؛ سپس بر اساس این اندیشه‌ها، نظریه‌های منسجم و مستدلی شکل بگیرد تا بتواند چراغ راهی فراوری جوامع بشری جوای حقیقت بیافروزد.

در واقع، آنچه ما در این مرحله از سیر تاریخ بدان احتیاج داریم، گونه‌ای از آینده‌نگری است؛ که بر اساس آن باید وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و فاصله میان این دو وضعیت را با دقت مطالعه و بررسی کنیم؛ سپس برنامه‌ریزی گام به گام و مطمئنی را در پیش بگیریم. روشن است که این فرایند، بسیار مهم، دقیق و زمانبر خواهد بود که هر بخشی از آن نیازمند مطالعات فراوان و گوناگون با رویکردهای مختلف است. و حاصل این تلاش می‌تواند به‌عنوان یک خروجی قابل اعتماد به‌کار آید. پژوهش حاضر بدون آنکه بلندپروازی غیرمنطقی را سرلوحه کار خود قرار دهد، می‌کوشد تا در راستای شناسایی وضعیت مطلوب تمدن اسلامی، برخی از توانمندی‌های آموزه‌های اسلامی را که در مسیر بالندگی و دگرگونی تمدن بشری قابل استفاده می‌باشد، به‌عنوان

درونمایه‌های تمدنی اسلام شناسایی نموده و بازتعریف کند. بی‌شک ورود به این عرصه خالی از خطا و لغزش نبوده و خصوصاً همچون گام‌های نخستین در هر پژوهشی بسیار لرزان خواهد بود. پس شایسته است که اندیشمندان و پژوهشگران به یاری برخیزند و گام‌های طی شده در این راه را بیفزایند، تا وعده و سنت الهی نیز تحقق یابد و جوامع مسلمان بار دیگر سلسله‌جنبان روند تکاملی تمدن بشری و قافله‌سالار فرهنگ والای انسانی باشند.

حمید فاضل قانع

۱۳۹۰

www.ketab.ir